**بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم**

**بحث امامت از کتاب اصول عقاید**

**استاد قرائتی**

جزو نبُوَّت از کتاب تلخیص اصول عقاید محسن قرائتی

# نبُوَّت (پیامبری)

# اصل نبُوَّت:

اگر جهان هستی هدفی دارد و در مسیر خود خط صحیحی را دنبال می‌کند، باید برای انسان هم که جزئی از عالم است راهی روشن و دور از هرگونه خطا و انحراف وجود داشته باشد. (و این هدف باید از طرف خدا و توسط انبیا تبیین و ارائه گردد)

# دلایل نیاز به انبیاء

## ۱. هدف‌دار بودن هستی

(عالَم) هستی، هدف‌دار است و انسان، جزئی از هستی است . هستی برای انسان آفریده شده و در اختیارش قرار دارد بنابراین او نمی‌تواند یله و رها باشد.

## ۲. حرکت هستی

بدون شک، کل هستی یک حرکت تکاملی دارد و درنهایت به رشد و کمال می‌رسد. بی‌شک انسان نیز باید یک راهِ بدون تَزلزُل درپیش رو داشته باشد؛ که با پیمودن آن به کمال برسد و لازم است این راه را خدای حکیم و عادل همانگونه که در اختیار تمامی موجودات قرار داده است در اختیار انسان نیز قرار دهد.

انسان می‌تواند این راه رشد و کمال را بپیماید و می تواند رها کند.

## ۳. لطف خداوند

بر مبنای قاعده لطف[[1]](#footnote-1) بر خداوند لازم است بندگان را هدایت کند و راه سعادت را به آن‌ها نشان دهد «اِنَّ عَلَینا لَلهُدی» یعنی هدایت مردم بر عهده ماست (خداست).[[2]](#footnote-2)

## ۴. جهل انسان

بدون تردید (بدون شک) اطلاع و آگاهی انسان از خود و جهانِ آفرینش، بسیار اندک است و مجهولاتش بی‌شمار است. بشر به معلم نیاز دارد تا از مجهولات خود بکاهد و بر معلوماتش بیافزاید.

# راهِ انبیا، خواسته دیرینه انسان

عدالت‌خواهی از خواسته‌های طبیعی هر انسانی است این نوع حکومت و رهبری، تنها در شخص انبیا و نظام عادلانه آنان دیده شده است.

# اعتقاد نداشتن به نبوّت، نشانه نشناختن خداست

خدا، تمام جهان را برای بهره‌گیری انسان آفریده است و همه ما را برای سعادت ابدی و بندگی خودش دعوت فرموده است. با توجه به این‌که 1-ما راه را نمی‌شناسیم و یا 2-در انتخاب راه راست اشتباه می‌کنیم؛ اگر میزبان ما که خدای بزرگ است رهبری همچون پیامبر با چراغی همچون معجزه و نقشه‌ای کامل همچون قرآن برای هدایت ما نفرستد؛ دعوت‌هایی که خداوند از ما نموده لغو و بیهوده می شود.

هر حرکتی هم به مبدأ و مقصد و هم به وسیله و هم به رهبر نیاز دارد که مهمترینش نیاز به رهبر است.

# آیا رهنمودهای علم و عقل کافی نیست

اسلام به عقل و علم اهمیت بسیار می‌دهد تا جایی که عقل را **پیامبر درونی** می‌داند و کیفر و پاداش انسان‌ها را براساس مقدار عقل آنان قرار داده است.

تحصیل را از گهواره تا گور و یادگیری آن را حتی از مخالفان هم لازم می داند اما بااین‌حال علم و عقل، جایگزین انبیا نمی‌شوند و ما را از پیامبران بی‌نیاز نمی‌کنند.

# دلایل نارسایی علم

## الف) محدودیت علم انسان

هر کسی چیزی را خیر (خوب) می‌داند که چه بسا دیگری آن را نمی‌فهمد. آگاهی انسان کم است. نه از گذشته خبر صحیح دارد و نه از آینده و نه به طور دقیق از بازتاب و عکس‌العمل‌های فوری و تدریجی کار خود اطلاعی دارد.

## ب) فراوانی موانع شناخت

آن وقتی انسان حق را درک می‌کند که مانعی در مسیر شناخت او نباشد (ولی غرائز انسانی معمولا مانع شناخت است). گاهی چنان در مسیر طوفان غرائز قرار می‌گیرد که قدرت شناخت واقعیت را از دست می دهد. (آن چیزهایی که دوست دارد و دوست ندارد، مانع می شود حقیقت را درست پیدا کند)

## ج) تأخیر در فهم

گاهی به مرور زمان و با پیشرفت علم، دستِ انسان به واقعیاتی می‌رسد. اما گناهِ صدها سال تاخیر دسترسی را به عهده چه کسی بگذاریم. (و چگونه می توان این ضررهای این سال ها را جبران کرد)

## د) درک معنویات

انسان با علم و عقل و مشورت و بررسی‌های خود تنها در مسائل محسوس و مادی می تواند گام بردارد و راهی را انتخاب کند اما در شناخت سعادت ابدی و رشد معنوی و تربیت روحی جز به وسیله وحی و انبیا راه دیگری ندارد. عقل کلیات را می‌فهمد ولی جزئیات را نمی‌تواند اثبات کند.

# به نظر شما ویژگی‌های قانون‌گذار چیست؟

۱- علم و احاطه کامل به تمام نیازهای ظاهری و باطنی اسلام انسان

۲- لطف و رحمت کامل نسبت به انسان

3- عدالت کامل و ترجیح ندادن تمایلات (خواسته های خود) بر مَصلَحَت و حقیقت

چنین قانون‌گذاری کسی جز خدای متعال نیست.

# بیان قرآن درباره انبیاء

«لِکُلِّ اُمَّت رَسول» برای هر گره و امتی، پیامبری است. پس زمانی که پیامبرشان آمد میان مردم به عدالت و قسط حکم می‌شود و به احدی ستم نمی‌شود.[[3]](#footnote-3) لِیَهلِکَ مَن هَلَکَ عَن بَیِّنَة وَ یَحیی مَن حَیَّ عَن بَیِّنَه [[4]](#footnote-4)

باید راه و چاه، روشن باشد تا انسان هر یک را از روی آگاهی و آزادی کامل انتخاب نماید

«رُسُلاً مُبَشِّرینَ وَ مُنذِرین»[[5]](#footnote-5) ما پیامبران را فرستادیم تا بعد از آن برای مردم جای هیچ گونه عذری وجود نداشته باشد که بگویند نمی‌دانستیم و کسی به ما خبر نداد.

# راه‌های شناخت انبیاء

۱ معجزه ۲ بررسی گذشته حالات و کارنامه انبیا (رفتار پیامبران) 3- اشارات پیامبران قبلی

## اولین راه معجزه است

کسی که می‌گوید من از سوی خدا مامور هدایت شما هستم، باید کاری کند که از عهده دیگران برنیاید و بدین وسیله گفته خود را ثابت کند این عمل را معجزه می‌نامند.

### کار انبیا با کار مخترعان و مرتاضان و ساحران و پهلوانان چه فرقی دارد؟

۱ - کار این افراد در اثر تعلیم است ولی انبیا معلم و مرشد و استادی ندیده‌اند.

۲ - کار این افراد تمرینی است بر خلاف کار انبیاء

۳ - کار این افراد غالباً با اهداف مادی توأم است یا برای جلب نظر مردم است یا جمع مال؛ اما هدف انبیا ساختن انسان والا و جامعه‌ای ایده‌آل و هدایت انسان‌ها بهسوی قدرتی دیگر

۴- این افراد امکان سوء سابقه دارند ولی انبیاء معصوم‌اند و هیچ‌گونه. ضعفی در زندگی آن‌ها وجود ندارد.

۵ - هرگز نمی‌گویند که این عمل را دیگران نمی‌توانند انجام دهند و جرأت مبارزه‌طلبی ندارند اما پیامبران با کمال شهامت و آرامش اعلام می کنند دیگران قادر بر انجام چنین عملی نیستند.

### معجزه نه نمایشگاه

آیا هر نوع معجزه‌ای که مردم می‌خواستند انبیا انجام می‌دادند ؟

 گاهی می‌گفتند: اگر تو پیامبری خدا اگر تو پیامبری خدا را نزد ما بیاور[[6]](#footnote-6). باتوجه به این‌که خداوند جسم نیست این توقع کاملاً محال است. بنابراین معجزه تنها برای این است که ارتباطات پیامبر را با خدای بزرگ نشان دهد و روشن کند و بنا نیست هر روز و هر ساعت و برای هر فرد آن هم در هر مسئله‌ای که دلخواه او باشد پیامبر دست به معجزه بزن.

### سنخیت در معجزه

(باید معجزه با مخاطبین و دوره آن‌ها سنخیت داشته باشد تا بهتر فهمیده و پذیرفته شود)

حضرت موسی علیه‌السلام چون در زمانی قرار داشت که بازار سحر و جادو گرم بود معجزه‌اش نیز اژدها اژدها شدن عصا بود. حضرت محمد (ص) چون در زمانی مبعوث شد که شعر و شاعری در اوج بود، معجزه رسمی او هم از سنخ سخن بود و هست. از سوی دیگر دین جاوید و جهانی به معجزه‌ای دائم نیاز دارد و قرآن معجزه پایدار پیامبر اسلام است که با رفتن پیامبر از میان نرفته و همواره باقی است.

## دومین راه شناخت انبیاء: بررسی قرائن، حالات و کارنامه انبیا

(درستی و صداقتشان نشانه حقانیت آن‌ها است) که رسول خدا چه کسی بود چرا قیام کرد چه افرادی به او گرویدند، مخالفان پیامبر ابرقدرت‌ها افراد خودخواه و مستکبر و استعمارگر و استثمارگر و ظالم بودند \*با تظاهر و ریاکاری مکتب خود را گسترش نداد.

اگر پیامبر ما هیچ معجزه‌ای هم نداشته باشد کارنامه زندگی و اهداف و و حالات او می تواند شاهد گویای صداقت او باشد.

## راه سوم شناخت انبیاء: گفته‌ها و اشارات پیامبران قبلی

پیامبر اکرم(ص) فرمود: من همان پیامبری هستم که نام و نشانم در تورات و انجیل شما هست. ظهور پیامبر اسلام برای پیروان ادیان پیشین به اندازه‌ای روشن بود که قرآن می‌فرماید: آن‌ها همانگونه که فرزندان خود را می‌شناختند پیامبر اسلام را نیز می‌شناختند.

# قرآن معجزه بزرگ پیامبر اسلام

## قرآن معجزه بزرگ پیامبر اسلام

خداوند بارها در این کتاب از مخالفان قرآن دعوت کرده که بجای این‌همه سرسختی و کارشکنی کتابی همچون قرآن بیاورند ولی نتوانستند (که نشانه معجزه بودن قرآن است) از سوی دیگر، آوردن قرآن به وسیله شخصی درس نخوانده و مطالبی که هر چه دنیای علم جلو می‌رود معارف آن شکوفاتر می‌شود، دلیل دیگری بر اعجاز قرآن است در قرآن آیاتی به چشم می‌خورد که کاملاً پیش‌گویی بوده است ضمناً: در قرآن آیایتی بهچم می خورد که کاملاپیشگویی بوده است.

## اگر قرآن از سوی غیر خدا بود اختلافات زیادی در آن می‌یافتند

پاسخ به شبهه تحریف قرآن در چندین آیه که ما دو تای آن را نقل می‌کنیم آمده‌است

۱ما قرآن را نازل کردیم و ما از آن را از هرگونه تحریف حفظ می‌کنیم . [[7]](#footnote-7)

۲- راه نفوذ باطل از هر طریق در قرآن بسته است.[[8]](#footnote-8)

## برخی امتیازات قرآن

۱ قرآن همیشه در دسترس همه است.

۲ مواد معجزه اسلام حروف است که هر روز مردم با آن حروف گفت‌وگو می‌کنند.

۳ قرآن هم معجزه است و هم کتاب آسمانی اسلام.

۴ معجزات سایر انبیا از یک جهت معجزه بود ولی قرآن به قول علامه مجلسی از ۱۵ طریق معجزه است. (15 نوع معجزه در آن است)

## قرآن را بهتر بشناسیم

برخلاف تصوُّر بعضی که قرآن را تنها کتاب عبادات و اخلاقیات می‌دانند باید بدانیم که تنها یک دوازدهم این کتاب آسمانی یعنی حدود ۵۰۰ آیه آن مربوط به مسائل فقهی (احکام و دستورات دینی) است و بیشتر آن درباره مسائل مختلف خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، تاریخی، اعتقادی و فرهنگی است .

## قرآن وسیله سنجش است

قرآن، میزان و ملاک و معیار است. وسیله سنجش است. هر حدیثی که شنیدید با قرآن بسنجید، اگر مطابق قرآن بود بپذیرید و در غیر این صورت آن را دور بریزید. نه‌تنها حدیث، بلکه هر نوع گفتار و نوشتاری را باید با قرآن سنجید.

# امتیازات انبیاء

## ۱ معجزه

## ۲ وحی

انبیاء به وسیله وحی با خدا ارتباط پیدا کرده و پیام الهی را دریافت می کند.

### سوال: آیا وحی یک نوع بلوغ بشری نیست؟

پاسخ: ده‌ها فرق میان نوابغ و انبیاء موجود است. 1-مسئله اخلاص، 2-عصمت (پاکی) از شک و سهو و خطا و هر نوع گناه، 3- آگاهی از غیب 4- راز و نیاز و نیایش با خداوند و عبادت‌های خالصانه و 5-همه چیز را از خدا دانستن از مسائلی است که در هیچ نابغه ای نیست. زیرا نوابغ، هم اشتباه می‌کنند هم معصوم نیستند هم از غیب بی‌خبرند و هم علائم دیگر را ندارند.

### سوال: چرا به ما وحی نمی‌شود.

پاسخ هر رادیویی همه موج‌ها و صداها را نمی‌گیرد. صفای باطن و اخلاص و پاکی و تقوا و ده‌ها شرط دیگر لازم است. باید دل آماده گرفتن الهام و وحی باشد.

## ۳- علم غیب

علم عجایب اساساً برای خداست و اگر و اگر پیامبر و امام چیزی می‌داند آن را از خدای متعال گرفته است ۴

## ۴- عِصمَت (پاکدامنی و نگهداشتن خود از گناه و خطا)

عصمت یعنی در اثر ایمان و شناخت و یقین کامل انسان دارای روحی شود که با کمال آزادی و آگاهی هرگز پیرامون گناه نگردد بلکه در اندیشه گناه هم نباشد.

### لزوم عِصمتِ رهبرِ آسمانی (چرا باید پیامبران بی گناه و بی خطا باشند)

دلیل نیاز ما به رهبر معصوم، همان لغزش‌ها و خطاها و انحراف‌های فکری و عملی ماست. (تا رهبرِ معصوم روش درست زندگی و گناه نکردن را به ما نشان دهد (به صورت عملی و واقعی))

# چند تذکر:

الف: برخی افراد پاره‌ای آیات قرآن را دستاویز قرار داده و عصمت پیامبران را خدشه‌دار می‌سازند.

در جمع‌بندی ما از آیات و روایات، داشتن مقام عصمت با هشدارها و اخطارها و عِتاب هایی که در قرآن آمده است هرگز منافاتی ندارد. زیرا همین عتاب ها می تواند راه‌گشای عصمت باشد و از برخی غُلُوها (زیاده روی) در مورد انبیا جلوگیری نماید.

ب: پیامبران نه‌تنها در تبلیغ که در عقاید و احکام و نه‌تنها در گناهان کبیره بلکه در تمام گناهان معصومند. و نه‌تنها در لغزش‌های عمدی که حتی در لغزش‌های خطایی و سهوی نیز باید معصوم باشند تا هیچ بهانه و دستاویزی برای دشمن و موجبی برای سلب اطمینان دوست باقی نماند .

ج: عصمت با استغفارها و نیایش‌های پیامبران منافاتی ندارد زیرا همین که پیامبر یا امام معصوم، خود را در محضر خدا می داند، حتی از اعمالی هم که گناه نیست احساس خجالت و شرم‌ساری می‌کند. اولیای خدا نیز که خود را در محضر خدا می دانند حتی از کوچک‌ترین عمل خود چنان احساسی دارند.

# پاسخ به چند سوال

## سؤال: چرا انبیاء از جنس بشر هستند؟

پاسخ: زیبایی امر (کار) در این است که انبیا بشر باشند زیرا اگر بشر نباشند انسان‌ها مدعی می‌شدند که انبیا مسائل و مشکلات ما را نمی‌دانند و مرتب به ما دستور می دهند. انبیا باید همانند دیگر انسان‌ها شهوت و غضب داشته باشند و خود را کنترل کنند تا الگوی دیگران باشند.

## سؤال: آیا انبیاء مدینه فاضله ساخته‌اند ؟

پاسخ: آمدن انبیا و قانون آسمانی برای هدایت مردم، یک ضرورت است و پذیرفتن مردم یک وظیفه است و حساب این دو از هم جداست.

این مردم‌اند که باید جامعه ایده‌آل بسازند (با کمک و هدایت انبیاء). اگر انبیا جامعه‌ای ایده‌آل نساخته‌اند به خاطر کوتاهی خود مردم است.

## سؤال: چرا همه انبیا در شرق (زمین) ظهور کردند؟

پاسخ: تاریخ گذشته غرب برای ما روشن نیست و ما هیچ دلیلی نداریم بر این‌که تمام پیامبران در مشرق‌زمین بودند بلکه از آیه «و لِکُلِّ اُمَّت رسول»[[9]](#footnote-9) می‌توان فهمید که هر امتی پیامبری داشته است .

## سؤال: انبیا چند نفر بودند و ایمان به همه آن‌ها چه لزومی دارد؟

پاسخ: در قرآن نام ۲۵ نفر از پیامبران آمده ولی در سوره مؤمن می‌خوانیم: «ما قبل از تو پیامبرانی فرستادیم که داستان بعضی از آن‌ها را نقل نموده و ماجرای عده دیگری را برای تو بازگو نکرده‌ایم»

از این آیه بدست می آید که تعداد پیامبران منحصر در این ۲۵ نفری که نامشان در قرآن آمده نیست. ابوذر غفاری از پیامبر (ص) پرسید: انبیا چند نفر بودند؟ فرمود 124 هزار نفر[[10]](#footnote-10)

همچنین بر اساس آیات ۱۳۶ سوره بقره و ۸۶ سوره آل عمران 105 سوره نساء ، ایمان به تمام انبیا لازم است و شاید دلیل آن این باشد که مسئله بعثت یک حادثه اتفاقی نیست بلکه یک جریان و امری الهی است.

# محمد (ص) خاتم پیامبران

پیامبر گرامی اسلام آخرین فرستاده الهی و خاتم پیامبران است.[[11]](#footnote-11)

## سوال: چرا جریان نبوت با حضرت محمد (ص) پایان یافت ؟

پاسخ: 1- نیاز به پیامبر جدید زمانی است که در کتاب پیامبر قبلی تحریف و کتمان رخ داده باشد. 2-مردم قدیم که جامعه‌شان به حد رشد نرسیده بود آدرس کوچه به کوچه لازم است ولی وقتی جامعه به رشد رسید اگر یک نقشه کلی هم به او بدهند راهش را می یابد و نیازی به حضور مستقیم راهنما (پیامبران) نیست. البته وجود امامان معصوم و فقها برای حفظ و صیانت قوانین و رهنمودهای و رهنمودها لازم است.

پیامبران پیشین (جز افراد انگشت‌شمار ) معمولاً کتاب نداشتند و اکثراً دستورات پیامبران بزرگ را تبلیغ می‌کردند و چنین نبود که همه آن‌ها صاحب کتاب باشند. بنابراین با وجود امامان معصوم و اسلام‌شناسان باتقوا که این مسئولیت را به‌عهده گرفته‌اند، لزومی به آمدن به انبیا نیست. فقهای (دین شناسان) عادل با در دست داشتن قواعد کلی دین، همواره می توانند حُکم خدا (دستورات خدا) را از قرآن و حدیث استخراج نمایند.

## رسالت جهانی پیامبر اسلام

رسالت پیامبر اسلام، جهانی است یعنی اختصاص به زمان خاص ندارد، بلکه برای همه عصرها و همه نسل‌ها است. (سور سبا: ۲۸ ؛ سوره اعراف: آیه ۱۵۸)

علاوه بر این، نامه‌هایی که پیامبر به اطراف و اکناف عالم برای سران کشورها می‌فرستاد دلیلی دیگر بر جهانی بودن رسالت اوست.

والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته

1. چون خدا لطف و مهربانی دارد هر چیزی که برای تحقق هدف خداوند در آفرینش ضروری است به موجودات می دهد و لطف می کند. [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره لیل آیه 12 [↑](#footnote-ref-2)
3. یونس آیه 47 [↑](#footnote-ref-3)
4. انفال: 42 [↑](#footnote-ref-4)
5. نساء: 165 [↑](#footnote-ref-5)
6. اسرا: 92 [↑](#footnote-ref-6)
7. - انا نَحنُ نَزّلنا الذِّکر وَ اِنّا لَه لحافظون . حجر: 9 [↑](#footnote-ref-7)
8. فصلت: 42 [↑](#footnote-ref-8)
9. یونس: 47 [↑](#footnote-ref-9)
10. تفسیر نمونه؛ بحار الانوار، ج 11، ص 30. [↑](#footnote-ref-10)
11. احزاب: 40 [↑](#footnote-ref-11)